

دیدار پوتین و ترامپ در آلاسکا

(ترجمه)

سوال:

رؤسای جمهور امریکا؛ دونالد ترامپ و روسیه، ولادیمیر پوتین در تاریخ 16 اگست 2025 در ایالت آلاسکا نشست‌های برگزار کردند. آیا میان آن دو در خصوص مسائل اساسی توافقی صورت گرفت؟ این نشست چه تأثیری بر روابط دوجانبه میان دو کشور خواهد داشت؟ چه پیامدهایی برای مسئله اوکراین در بر دارد؟ و در سطح بین‌المللی چه اثری بر اروپا و چین خواهد گذاشت؟

جواب:

برای روشن شدن موضوع پرسش‌های فوق، به بررسی نکات زیر می‌پردازیم:

۱. روابط میان امریکا و روسیه طی سه دهه گذشته مسیری پر فراز و نشیب را پیموده است. این روابط از جایگاه دو ابرقدرت که پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991 سرنوشت جهان را رقم می‌زدند، به مرحله‌ای رسید که روسیه از صحنه بین‌المللی کنار کشید و به درون خود فرو رفت. در این دوران، امریکا فروپاشی عمیق روسیه را به دقت زیر نظر داشت و می‌کوشید مناطق نفوذ شوروی سابق را در اختیار بگیرد.

سپس ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تلاش کرد تا روسیه را بار دیگر به عنوان یک قدرت بزرگ با جایگاه بین‌المللی مطرح سازد؛ تلاشی که با مخالفت امریکا روبه‌رو شد. نشانه‌های روشن از عمق تعارض اهداف دو کشور، آغاز جنگ در اوکراین در سال 2022 بود. روسیه با این جنگ می‌خواست جایگاه بین‌المللی خود را با تکیه بر قدرت نظامی ارتقا دهد، در حالی که امریکا با حمایت از اوکراین در پی آن بود که روسیه را از فهرست قدرت‌های بزرگ حذف کند. این وضعیت تا پایان دوره ریاست‌جمهوری بایدن ادامه یافت.

با بازگشت ترامپ به ریاست‌جمهوری تغییر در جهت‌گیری سیاست امریکا پدیدار شد. ترامپ سیاست راهبردی امریکا را روی مقابله با چین متمرکز ساخت و اعلام کرد که قصد دارد تنش با روسیه را کاهش دهد. او بارها تصریح کرد که قادر است جنگ اوکراین را ظرف 24 ساعت پایان دهد و این جنگ را «جنگ بایدن» می‌دانست، نه جنگ خود. به این ترتیب، امریکا در دوران ترامپ مسیر جدیدی را در روابط با روسیه آغاز کرد.

این تغییر جهت به‌ویژه در برخوردهای مستقیم ترامپ آشکار شد: او بارها ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، را مورد توهین قرار داد، به شدت از کمک‌های نظامی امریکا به اوکراین انتقاد کرد، و کشورهای اروپایی را فراخواند تا مسئولیت‌های مالی و نظامی خود را در قبال اوکراین بر عهده گیرند.

۲. جنگ اوکراین موجب تضعیف جایگاه بین‌المللی روسیه شد. اردوی این کشور ناتوان از دستیابی به اهداف سریع و پرارزش در خاک اوکراین ظاهر گردید. نزدیک به نیمی از ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه نابود شد، پایگاه‌های راهبردی آن در عمق خاک روسیه مورد حمله قرار گرفت و بخش مهم از تجهیزات و فرماندهان برجسته نیروهای زمینی‌اش را از دست داد. با این حال، روسیه شکست نخورد و همچنان توانست پیشروی‌هایی هرچند اندک و کند - که به «حرکت مورچه‌ای» توصیف شده است - در خاک اوکراین به دست آورد.

اما روسیه که خود را عملاً در برابر توان نظامی ناتو و در حکم جنگ با کشورهای عضو آن می‌دید، گهگاه نشانه‌هایی از تنگنا و فشار را بروز می‌داد؛ از جمله در قالب اظهارات و آمادگی‌های هسته‌ای. این وضعیت بسیار خطرناک است و امری نیست که امریکا خواهان آن باشد. به بیان دیگر، جنگ اوکراین خطر لغزش به سوی جنگ هسته‌ای را برجسته ساخت.

افزون بر این، جنگ اوکراین ولادیمیر پوتین را واداشت تا شراکت راهبردی خود با چین را تقویت کند. هرچند امریکا این روند را پیش‌بینی کرده بود و چین نیز به دلیل نگرانی از آسیب دیدن روابط تجاری مهم خود با امریکا و اروپا، از استقبال

پر شور و بی‌قید از روسیه پرهیز کرد، اما تقسیم شدن مجدد جهان به دو قطب متقابل، آخرین چیزی است که امریکا می‌خواهد. امریکا به هیچ روی مایل نیست که قدرت اقتصادی چین با قدرت نظامی روسیه در یک اردوگاه واحد ادغام گردد.

۳. هراس روسیه از شکست راهبردی‌ای که امریکا در صحنه اوکراین برای آن تدارک دیده بود، عاملی شد تا مسکو بر گسترش توان تسلیحاتی موشکی و هسته‌ای خود بیفزاید. توافق‌های هسته‌ای میان دو کشور در پایین‌ترین سطح خود قرار داشت؛ به‌ویژه پس از خروج امریکا در سال 2019 از «پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد». روسیه افزون بر آنکه سامانه‌های موشک‌های مافوق‌صوت را در جنگ اوکراین به کار گرفت، در سال 2024 موشک ویرانگر جدیدی به نام «اوریشنیک» را نیز معرفی کرد. سرانجام، درست پیش از نشست پوتین با ترامپ، روسیه آزمایش‌هایی را - که امریکا نیز از تدارک آن‌ها مطلع بود - بر روی موشک‌های هسته‌ای مجهز به موتورهای هسته‌ای اعلام کرد؛ موشک‌هایی با بُرد و سرعت نامحدود.

این موضوع، گذشته از خطری که متوجه امریکا می‌سازد و نیز بی‌اثر کردن سپر موشکی آن - سپری که امریکا سال‌ها به آن می‌بالید و میلیاردها دلار برایش هزینه کرده بود - نشان می‌دهد که روسیه مصمم است وارد رقابت راهبردی نظامی جدیدی شود، حتی اگر این امر برای اقتصادش بهای سنگینی داشته باشد. از همین رو، امریکا ناگزیر است برای جلوگیری از پیشروی بیشتر روسیه و پرهیز از رقابتی مشابه جنگ سرد، به توافقی با مسکو بیندیشد.

۴. روسیه در برابر احتمال یک شکست نظامی در اوکراین قرار گرفت؛ چراکه تصویر ارتش آن به‌عنوان ارتش یک ابرقدرت فرو ریخت و این ارتش از غلبه بر ارتش اوکراین ناتوان ماند. جنگ به حالت «جست و گریز» درآمد؛ به این معنا که روسیه توانایی «قدرت قاطع» را از دست داد و این امر به جایگاه بین‌المللی‌اش آسیب جدی وارد کرد.

علاوه بر ضعف نظامی آشکار در اوکراین، روسیه تحت فشار مجموعه‌ای گسترده از تحریم‌های غربی قرار گرفت که آن را تا مرز خروج کامل از اقتصاد جهانی پیش برد و انزوای بین‌المللی چشمگیری بر آن تحمیل کرد. حتی رئیس‌جمهور روسیه نیز به دلیل صدور حکم بازداشت از سوی دادگاه جنایات بین‌المللی، آزادی تحرک در خارج از کشور را از دست داد.

بنابراین، روسیه تمام ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی خود را برای دفع خطر شکست راهبردی در جنگ اوکراین بسیج کرد. اقتصاد آن به «اقتصاد جنگ» بدل شد و کرملین سرنوشت جایگاه بین‌المللی خود را وابسته به نتیجه جنگ اوکراین می‌دانست. با این حال، سایه شکست همواره بر آن سنگینی می‌کرد و بزرگترین هراس مسکو این بود که اوضاع به سمت دخالت مستقیم ناتو و تحمیل رویارویی مستقیم با آن پیش رود؛ امری که روسیه جز با توسل به سلاح‌های هسته‌ای توان رویارویی با آن را نداشت. اما استفاده از این ابزارها بسیار زیاد خطرناک و مهلک است.

از این‌رو، پس از آن که دونالد ترامپ به قدرت رسید و شروع به ستایش روسیه و تحسین رئیس‌جمهور آن نمود، کرملین نفسی راحت کشید. زیرا این موضع‌گیری، نشانگر تغییر مسیر امریکا از برنامه‌های شکست راهبردی روسیه تلقی می‌شد. چه‌بسا روسیه در اندیشه پذیرش پیشنهادهای ترامپ - همان‌گونه که مطرح شدند - افتاده باشد تا از ادامه فرسایش خود جلوگیری کند. با این همه، روسیه با دقت در حال رصد دروازه‌های است که ترامپ برای بازگشت آن به صحنه بین‌المللی گشوده است؛ در عین حال با اضطراب نگران آن است که مبادا این دروازه دوباره بسته شود، و بی‌صبرانه در پی ورود از آن است.

۵. هنگامی که امریکا تعلل و امتناع روسیه از توقف جنگ را مشاهده کرد و صداهایی در غرب بلند شد مبنی بر این‌که پوتین در واقع از تمایل اخیر ترامپ برای پایان جنگ اوکراین سوءاستفاده می‌کند، رئیس‌جمهور امریکا ضرب‌الاجلی 50 روزه برای پایان جنگ اوکراین تعیین نمود. با وجود آنکه روسیه از این مهلت به شدت ناخشنود بود و درخواست توضیحات بیشتری کرد، اما همچنان در این بازه زمانی به تعلل ادامه داد و می‌کوشید آن را تا آخرین روز به سود خود بهره‌برداری کند. این وضعیت، رئیس‌جمهور امریکا را واداشت تا تهدید کند که ممکن است به طور کامل تغییر مسیر دهد؛ یعنی دروازه گشوده‌شده را ببندد و به مواضع دولت بایدن بازگردد. از همین رو، وی اعلام کرد که این مهلت از 50 روز به 10 روز کاهش می‌یابد.

روسیه این اقدام را - به گفته معاون شورای امنیت ملی و رئیس‌جمهور پیشین، دیمیتری مدودف - گامی به سوی جنگ تلقی کرد. مدودف آمریکا را به «دست مرگبار هسته‌ای» روسیه هشدار داد. در مقابل، رئیس‌جمهور آمریکا نیز به مدودف گوشزد کرد که با چنین سخنانی به منطقه‌ای «بسیار خطرناک» پا می‌گذارد. بدین ترتیب، با تهدید آمریکا مبنی بر بازگشت به حمایت از اوکراین و اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه روسیه - تحریم‌هایی که همه خریداران نفت روسیه، به‌ویژه چین، را هدف قرار می‌داد - زنگ تصمیم‌گیری در مسکو به صدا درآمد و کرملین خود را در برابر انتخابی سرنوشت‌ساز دید.

۶. از این رو، روسیه دریافت که باید هرچه سریع‌تر به سمت امتیازدهی به آمریکا حرکت کند. مسکو نمی‌خواست دوباره با حجم عظیم حمایت نظامی آمریکا از اوکراین مواجه شود؛ حمایتی که فرسایش بیشتری بر آن تحمیل می‌کرد و فرصت بیرون آمدن از انزوای بین‌المللی - فرصتی که ترامپ به آن عرضه کرده بود - را از میان می‌برد. افزون بر این، روسیه نسبت به چین نیز دچار تردید بود؛ چراکه اگر چین میان نفت ارزان روسیه و روابط تجاری با آمریکا ناگزیر به انتخاب شود، بی‌گمان دومی را برمی‌گزیند، زیرا فواید آن برایش بیشتر است.

از سوی دیگر، پیشنهاد صلح ترامپ برای روسیه فرصتی فراهم می‌ساخت تا به توافقی مستقیم با آمریکا برسد، همانند کنفرانس یالتا در سال 1945؛ توافقی که مسکو نمی‌خواست در آن طرف‌های دیگر اروپایی یا اوکراینی دخیل باشند، بلکه می‌خواست تنها با آمریکا به توافق برسد و سپس آن را به دیگران به‌عنوان «امر واقع» تحمیل کند. بر همین اساس، روسیه پیش‌قدم شد و درخواست برگزاری نشست با فرستاده ویژه ترامپ، «ویتکوف» را مطرح ساخت تا موضوع مهلت تعیین‌شده برای روسیه از میان برداشته شود؛ امری که بی‌تردید مستلزم چشم‌پوشی مسکو از بخشی از مطالباتش بود.

در آستانه توافق بر سر برگزاری اجلاس سران و در طول دوره کوتاه آماده‌سازی برای آن، دو طرف نشانه‌های روشنی از تمایل خود به این دیدار بروز دادند. ترامپ به درخواست روسیه برای اعزام فرستاده‌اش، ویتکوف به مسکو پاسخ مثبت داد. او درباره «فرصت‌ها و تبادل سرزمین‌ها و مرزها میان روسیه و اوکراین» سخن گفت. در مقابل، روسیه نیز بر «صداقت آمریکا» تأکید کرد. پوتین اظهار داشت: «مسکو در حال کار برای فراهم ساختن شرایط لازم جهت استقرار صلح است و ایالات متحده نیز تلاش‌های صادقانه‌ای برای حل‌وفصل وضعیت اوکراین به خرج می‌دهد. همچنین بر اهمیت دستیابی به توافقاتی با واشنگتن در زمینه محدودسازی سلاح‌های تهاجمی راهبردی تأکید می‌کنم.» (الجزیره نت، 14 اگست 2025). روسیه همچنین پذیرفت که اجلاس سران در آلاسکا، یعنی در خاک آمریکا، برگزار شود تا رضایت ترامپ جلب گردد. ترامپ نیز این تصمیم را ستود و گفت: «اقدام ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، برای سفر به آلاسکا و دیدار با من، حرکتی است که احترام فراوانی در خود دارد» (آر.تی، 12 اگست 2025).

۷. با این حال، آمریکا از زاویه دیگر، و پس از آنکه تعلل روسیه را طی ماه‌ها پس از ورود ترامپ به کاخ سفید مشاهده کرد، به هیچ‌وجه نمی‌خواست این اجلاس بدون امتیازدهی از سوی مسکو برگزار شود. ترامپ اظهار داشت که این نشست «اکتشافی» است و افزود که از همان دقایق نخست جلسه درمی‌یابد که آیا پوتین در پایان دادن به جنگ اوکراین جدی است یا خیر. او همچنین نسبت به احتمال شکست نشست هشدار داد و میزان احتمال شکست را 25 درصد برآورد کرد و روسیه را به «عواقب وخیم» تهدید نمود: «رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، روز چهارشنبه، همتای روس خود ولادیمیر پوتین را تهدید کرد که در صورت کارشکنی در مسیر تلاش‌ها برای برقراری صلح در اوکراین، با عواقب وخیمی روبه‌رو خواهد شد. او همچنین احتمال اعمال تحریم‌های اقتصادی را مطرح کرد، در صورتی که دیدار آن‌ها در آلاسکا - که قرار است جمعه برگزار شود - به نتایج ملموسی نینجامد. ترامپ توضیح داد که این نشست با پوتین «مقدماتی» برای دیدار دومی است که با حضور رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، برگزار خواهد شد؛ دیداری که برگزاری آن وابسته به نتایج نشست آلاسکا خواهد بود.» (عرب 48، 14 اگست 2025).

ترامپ همچنین اجلاس خود با پوتین را «پرخطر» توصیف کرد، آن هم درست پیش از حرکتش به سوی «انکوریدج» آلاسکا برای برگزاری نخستین دیدار دو طرف طی هفت سال. او در عین حال تأکید کرد که مایل است آتش‌بس «با سرعتی بسیار زیاد» برقرار گردد. (اینپندنت عربی، 15 اگست 2025).

وی حتی افزود که اگر پوتین در این نشست جدی نباشد، بی‌درنگ از آلاسکا به واشنگتن بازخواهد گشت: «رئیس‌جمهور امریکا، دونالد ترامپ، روز جمعه هنگام ورود به پایگاه هوایی المندورف در انکوريج آلاسکا گفت که اگر نشست با ولادیمیر پوتین به‌خوبی پیش نرود، آن را ترک خواهد کرد.» (CNN عربی، 15 اگست 2025)

این سخن ترامپ مبنی بر ترک نشست، در واقع نوعی اهانت به رئیس‌جمهور روسیه تلقی می‌شود؛ چراکه او برای دیدار با ترامپ، شخصاً به خاک امریکا آمده بود.

۸. مجموع این اظهارات در واقع نوعی فشار بر روسیه برای امتیازدهی بود؛ چراکه ترامپ هم او را به «عواقب وخیم» تهدید کرد، هم از تحریم‌ها سخن گفت، و هم احتمال ترک نشست را مطرح نمود. این بدان معناست که دیدار میان دو رئیس‌جمهور اصلاً متوازن نبود؛ بر خلاف دیدارهای تاریخی میان رهبران شوروی و ایالات متحده در گذشته. این نشست حتی هم‌سنگ اجلاس‌های امریکا و چین نیز نبود، بلکه نمادی از برتری‌طلبی امریکا و مطالبه‌اش برای تسلیم شدن روسیه و همچنین بازتابی از جایگاه منززل و فروکاسته روسیه بود؛ کشوری که همه این شرایط، مهلت‌ها و تهدیدهای امریکایی را پذیرفت و رئیس‌جمهورش برای دیدار با ترامپ به خاک امریکا سفر کرد، به جای آنکه دیدار در کشور ثالثی برگزار شود.

نمونه‌های دیگر از این وضعیت را می‌توان در اقدامی خلاف پروتکل مشاهده کرد: پوتین پذیرفت به دعوت ترامپ در موتر شخصی او بنشیند، در حالی که همواره موتر رسمی‌اش در تمامی نشست‌های بین‌المللی همراهش است. این امر نشانه‌ای از نیاز روسیه به گرمای روابط با ترامپ و تلاش برای کاهش زیان‌های راهبردی‌اش تلقی می‌شود.

این واقعیت از آنجا تأیید می‌شود که با وجود قطع عمیق روابط امریکا و روسیه در دورهٔ بایدن، پوتین کوشید ترامپ را با وعده‌ها و تعارفات تحت تأثیر قرار دهد. یوری اوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه گفت: «همکاری میان روسیه و ایالات متحده ظرفیت‌های عظیمی دارد که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است». او همچنین اشاره کرد که هیأت روسی متشکل از یوری اوشاکوف، وزیر امور خارجه سرگئی لاوروف، وزیر دارایی آنتون سیلوانوف و رئیس صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه، کیریل دیمیتریف، خواهد بود. (آر.تی، 14 اگست 2025). این ترکیب، نشانه‌ای از ضعف روسیه است که بی‌شک امریکا به‌خوبی آن را درک کرده است.

تصریحات پوتین پس از نشست نیز بیانگر همین ضعف و عمق نگرانی مسکو از تداوم تنش میان دو کشور بود. او در آغاز سخنرانی‌اش در کنفرانس خبری اذعان کرد که روابط امریکا و روسیه در سال‌های اخیر به شدت ناپای دار شده است: «همگان می‌دانند که در چهار سال گذشته هیچ اجلاسی میان روسیه و ایالات متحده برگزار نشده است. این مدت، دورهٔ بسیار دشواری برای روابط دوجانبه بود. بی‌پرده بگویم، روابط ما به پایین‌ترین سطح از زمان جنگ سرد تاکنون رسیده است. این امر نه برای دو کشورمان و نه برای جهان سودمند نیست. مدت‌ها بود که انتظار برگزاری یک دیدار مستقیم میان رؤسای دو کشور می‌رفت.»

پوتین همچنین افزود: «مذاکرات در فضایی از احترام، سازندگی و احترام متقابل برگزار شد و گفت‌وگوها بسیار جامع و مفید بودند.» (CNN عربی، 16 اگست 2025).

۹. نتیجه‌گیری؛ با تأمل در روند دیدار میان ترامپ و پوتین و آنچه رسانه‌ها پوشش دادند، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که موضوعات اصلی نشست شامل موارد زیر بوده است:

الف- اوکراین: این موضوع اصلی و داغ نشست بود، هرچند تنها مسئله مطرح‌شده نبود. با وجود اصرار روسیه بر مطالبات امنیتی خود - شامل دور نگهداشتن اوکراین از ناتو و جلوگیری از تبدیل شدن آن به ارتشی نیرومند که تهدیدی برای روسیه باشد، اما این دیدار خطوط کلی یک توافق را ترسیم کرد. یکی از ابعاد آن تعهد آینده روسیه به عدم تجاوز به اوکراین بود: «پوتین تأکید کرد که با ضرورت تضمین امنیت اوکراین موافق است. او گفت: "با (رئیس‌جمهور امریکا، دونالد) ترامپ بر ضرورت تضمین امنیت اوکراین توافق دارم و ما طبعاً آماده‌ایم که در این زمینه اقدام کنیم". وی افزود: "امیدوارم توافقی که با هم به دست آورده‌ایم به تحقق این هدف یاری رساند و راه را برای صلح در اوکراین هموار سازد.» (CNN عربی، 16 اگست 2025).

این توافق ضمنی را می‌توان از سخن ترامپ نیز دریافت که دیدار خود با پوتین را «10 از 10» ارزیابی کرد (اسکای نیوز، 16 اگست 2025). از این رو، امریکا به سمت کاهش تدریجی کمک‌های نظامی خود و متحدان غربی به ارتش اوکراین حرکت می‌کند و سپس در پی اعلام آتش‌بس خواهد بود؛ آتشی که شاید در چارچوب اجلاس بعدی با حضور ترامپ، پوتین و زلنسکی اعلام گردد. این مسیر به معنای پیشبرد حل بحران اوکراین با شتابی آهسته و تدریجی است، احتمالاً در طول چندین سال.

بدین ترتیب، امریکا حل نهایی را به تعویق می‌اندازد؛ در حالی که خواهان توقف سریع درگیری‌هاست، می‌خواهد حل نهایی طی سالیان دراز صورت گیرد. در این روند، واشنگتن می‌کوشد اوکراین را وادار به پذیرش امتیازاتی در زمینه مرزها و اراضی سازد، در برابر امتیازاتی که روسیه در پرونده‌های دیگر به امریکا خواهد داد. گویی امریکا با «به رسمیت شناختن مشروط» کنترل روسیه بر بخش‌هایی از اوکراین، اشتباهی مسکو را تحریک می‌کند، اما در مقابل شروطی قرار می‌دهد که روسیه باید بپذیرد.

ب- عادی سازی روابط امریکا و روسیه: این روند هرچند از دیدار استانبول در آوریل 2025 آغاز شد، اما انتظار می‌رود شتاب بیشتری گیرد؛ به‌ویژه پس از دومین دیدار دو کشور که احتمالاً با حضور اوکراین و به قصد اعلام آتش‌بس برگزار خواهد شد. برای امریکا، بازطبیعی‌سازی روابط با روسیه ضرورتی فوری است تا بتواند گفت‌وگوهای راهبردی در سایر پرونده‌ها را از سر بگیرد.

ج- رقابت تسلیحاتی و قدرت استراتژی: به احتمال بسیار زیاد و با توجه به نیاز دو کشور، مذاکرات مربوط به تسلیحات و قدرت استراتژی - اعم از هسته‌ای و موشکی - به‌طور فوری گشوده خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود روسیه اکنون بپذیرد که شرط پیشین امریکا - یعنی پیوستن چین به این مذاکرات - اجرا گردد تا مذاکرات سه‌جانبه باشد. پیش‌تر توافقات میان مسکو و واشنگتن ادامه‌دهنده پیمان‌های چنددهه‌ای میان دو ابرقدرت نظامی بود، اما امریکا آن‌ها را متوقف کرد زیرا می‌خواست چین را نیز وارد این چارچوب کند.

اکنون چین در حال اجرای برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای است که می‌تواند تا سال 2030 حدود هزار کلاهک هسته‌ای در اختیار داشته باشد. این امر باعث شده چین از سطح قدرت‌های هسته‌ای متوسطی مانند بریتانیا و فرانسه فراتر رود. در نتیجه، دلایل تردید و اکراه روسیه از دعوت چین به مذاکرات مشترک با امریکا از میان رفته است.

این تحول برای امریکا گامی در مسیر تضعیف تدریجی اتحاد روسیه و چین به شمار می‌آید. امید واشنگتن به شکستن این اتحاد بسیار بالاست؛ اما امریکا نمی‌خواهد به صورت مستقیم این موضوع را مطرح کند تا حساسیت مسکو برانگیخته نشود. در عوض، با گام‌هایی برای نزدیکی به روسیه، در پی تضعیف آرام و تدریجی اتحاد راهبردی روسیه و چین است.

۱۱. و در پایان، تأسف‌بار است که امروز سرنوشت جهان در دست دولت‌های کفری است؛ رؤسای آنان با هم دیدار می‌کنند، به ریزنی می‌پردازند و برای آینده برنامه‌ریزی می‌نمایند، در حالی که امت اسلام - که بهترین امتی است که برای مردم پدید آمده - هیچ نقشی در تحولات جهانی ندارد و حتی در مسائل مربوط به خویش نیز توان اداره مستقل ندارد، بلکه آموزش به دست کفار استعمارگر مدیریت می‌شود.

مشکل اصلی این است که امت اسلامی، با وجود آنکه نزدیک به دو میلیارد نفر جمعیت دارد، همچون پیکری بی‌سر است؛ زیرا خلافتی که مسلمانان را یکپارچه سازد وجود ندارد و خلیفه‌ای که سرپرستی امورشان را بر عهده گیرد، از آنان دفاع کند و پشت سر او جهاد شود، در میانشان نیست. با این همه، خلافت به خواست و وعده الله سبحانه و تعالی و به بشارت رسول الله صلی الله علیه و سلم باز خواهد گشت.

اما سنت الهی چنین است که فرشتگان از آسمان فرود نمی‌آیند تا کمکاری امت را جبران کنند؛ بلکه یاری الهی زمانی نازل می‌شود که امت برای برپایی خلافت تلاش کند و در این مسیر گام بردارد. در این راستا، حزب التحریر - پیشگام صادقی که اهلش هرگز دروغ نمی‌گویند - امت را به کار و تلاش برای اقامه آن فرا می‌خواند. آنگاه اسلام و مسلمانان عزیز خواهند شد و کفر و کافران خوار و ذلیل خواهند گشت.

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (٤) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: ٤-٥]

ترجمه: و در آن روز مؤمنان شادمان می‌شوند، از نصرت الله و الله هرکس را بخواهد نصرت می‌دهد و او شکست ناپذیر و مهربان است.

25 صفر 1447 ه.ق.

19 آگست 2025 م.

مترجم: عبدالله دانشجو